



هاله صفرزاده

چگونه کودکان در جنگ‌ها تبدیل به ماشین‌های کشتار می‌شوند؟

آیا برای کودکانی که از جنگ رنج می‌برند پاسخی وجود دارد؟

(به یاد کودکانی که برای آزادی سوسنگرد روی میدان‌های مین رفتند)

ممنوعیت استفاده از کودکان در جنگ‌ها به دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی برمی‌گردد. مطابق با کنوانسیون ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار که در سال ۱۹۹۹ با امضای ۱۶۳ کشور به تصویب رسیده، سربازگیری کودکان یکی از "بدترین نوع" کار کودکان تعریف شده است. مطابق آمارهای موجود میلیون‌ها کودک در سراسر جهان استثمار می‌شوند و به شکل نیروی کار ارزان سودطلبی صاحبان سرمایه را ارضا می‌کنند. در میان آنان کودک سربازها شرایط بسیار اسفناکی را تجربه می‌کنند. استفاده از کودکان در جنگ‌ها و عملیات نظامی ننگی است که بشریت هنوز در قرن بیست و یکم درگیر آن است و تا پایان دادن به این جنایت علیه بشریت راه درازی باقی مانده است. هر چند در ارتش‌های رسمی کودکان جایی ندارند، اما در گروه‌های شبه نظامی دولتی، گروه‌های مسلح مخالف با دولت مرکزی یا گروه‌های مسلح قومی و مذهبی از آنان برای بالا بردن تعداد سربازان استفاده می‌شود. آنان کارهای بسیاری را در جبهه انجام می‌دهند. پاک کردن سلاح، جمع آوری مواد غذایی، جاسوسی و...

در کشورهایی مانند رواندا، سیرالئون، بوتسوانا و کنگو، افغانستان، سوریه و... از کودکان به عنوان سربازان جنگی استفاده شده است. برخی از این کودکان از خانه‌های خود ربوده شده‌اند؛ برخی دیگر "به طور داوطلبانه"، به جنگ پیوسته‌اند با این فکر که با شرکت در جنگ

می‌توانند یک زندگی بهتر داشته باشد. دیگران یتیم هستند یا توسط پدر و مادر خود فروخته شده‌اند چرا که از تهیه حداقل مواد غذایی برای سیرکردن شکم خود و فرزندان‌شان عاجز هستند. اما به واقع کودکانی که درگیر جنگ می‌شوند گزینه‌ی دیگری برای انتخاب ندارند، حتا آنان که به اصطلاح داوطلبانه سرباز شده‌اند.

در گزارشی از سوریه می‌خوانیم:

"پدر مصعب با افتخار می‌گفت: به زودی پسرش سرباز خوبی خواهد شد. صبحی، ۱۵ ساله، می‌گفت که او از پدرش خواهش کرده که برای شروع آموزش به او اجازه دهد. او گفت: "من از ماندن در منزل و به انتظار بازگشت پدر و برادران بودن خسته شده بودم. من می‌خواهم به جنگ بروم و با چشم خود آن‌ها را ببینم". برادران بشار، ۱۶ ساله، برای آموزش او فرمی را امضا کرده‌اند. او سرباز داوطلب ارتش شورشیان سوریه است. او می‌گوید: «من می‌خواهم انتقام مرگ پدرم را بگیرم.» هماهنگ کننده‌ی صندوق حمایت از کودکان ملل متحد (UNICEF) ژان نیکولاس بونز گفت: "بر خلاف دیگر جنگ‌ها، در سوریه سیستم سربازگیری از کودکان وجود ندارد. جوانان با تشویق خانواده‌هایشان، خود داوطلب می‌شوند."

این کودکان که معمولاً بین ۱۴ تا ۱۸ سال سن دارند در دوره‌های آموزشی کوتاه مدت روش‌های جنگیدن را می‌آموزند.

اغلب فرماندهان کودکان را بهترین سربازان می‌دانند چرا که هم ارزانند و هم شکل پذیر و به اصطلاح چکش‌خوارند. آن‌ها کوچک هستند و می‌تواند بدون این که شناسایی شوند در عملیات جاسوسی شرکت کنند. آن‌ها اغلب خطرات بیشتری را به جان می‌خرند چرا که به اندازه کافی از رشد عقلی و شناختی برای در نظر گرفتن عواقب کار برخوردار نیستند. آن‌ها برای به دست آوردن غذا به راحتی می‌توانند روستاها را غارت کنند.

عبد الرزاق، گروه‌بان ۳۸ ساله ارتش سابق سوریه که مسوولیت آموزش پسران را در مدرسه نظامی خود دارد، این گونه می‌گوید: "هنگامی که آن‌ها به این جا می‌آیند، کودک هستند. اما زمانی که این جا را ترک می‌کنند، به ماشین‌های کشتار تبدیل می‌شوند." او می‌گوید من به آن‌ها آموزش می‌دهم که از جنگ نترسند و هنگام کشتن دچار تردید نشوند.

او به دانش آموزان خود می‌آموزد که چگونه در هنگام نبرد تفنگ کلاشینکوف را حمل کنند. او به آن‌ها می‌آموزد که چگونه دشمن را خلع سلاح کنند و او را با یک چاقو، یا حتی دست خالی بکشند.

"عبد الرزاق می‌گوید: "من کودکان را بهترین سربازان می‌دانم. آن‌ها از هر فرمانده ای اطاعت می‌کنند. در حالی که یک بزرگسال بالغ می‌پرسد و به دنبال پاسخ سوالاتش است اما کودکان

هیچ چیز نمی‌پرسند. او با دیدن یک پسر ۱۴ ساله که سعی می‌کند حریف خود را قبل از آن که با چاقو به او صدمه بزند با مشت خلع سلاح کند، می‌گوید: مصیب شما قرار است حریف خود را بکشید نه این که او را نوازش کنید."

معمولا این کودکان پس از آموزش‌ها و شرکت مستقیم در عملیات جنگی، بسیار خشن و بی‌رحم عمل می‌کنند. یکی از کسانی که به عنوان کودک سربازی مورد سوء استفاده قرار گرفته در کتاب خود، "راه دراز طی شده: خاطراتی از پسر بچه سرباز" چنین می‌نویسد: ... کشتن از آب خوردن ساده‌تر شده بود. نه تنها فکر نمی‌کردم، بلکه حتی نشانه‌هایی از پشیمانی نیز در من دیده نمی‌شد. ..."

در یک فیلم غیر حرفه‌ای از سوریه پسری تبر به دست دیده می‌شود که سر بریده‌ی یک مرد را بر روی زمین می‌کشد. مردی به او تبریک می‌گوید و سپس به سر بریده‌ی پیش پای پسر لگد می‌زند.

"آکادمی نظامی" عبد الرزاق یک مدرسه سابق، واقع در استان حلب در شمال سوریه است. پسران قبل از این که به جبهه فرستاده شوند، روزی دو ساعت به مدت سه ماه آموزش می‌بینند. خانواده پسران علاقه‌مندند که قبل از اعزام به جنگ به آن‌ها خوب آموزش داده شود. عبد الرزاق گفت: "بدون آموزش مناسب، آن‌ها را به سرعت کشته می‌شوند.

محمد پانزده ساله به نظر می‌رسد آموخته که چگونه به سرعت کلاشینکوف خود را باز و بسته کند و فریاد می‌کشد: آماده! او با افتخار این را گفت و تنفگش را به مربی اش نشان داد. حالت چهره اش نشانی از ترس و احترام به مربی اش را داشت."

تصویری که از کودکان سرباز در جهان تصویر شده است پسری است با یک کلاشینکوف در دست، در حالی که تعداد سربازان دختر تقریبا به اندازه‌ی پسران است. (حدود ۴۰ درصد) آن‌ها خشونت جنسی را نیز همراه با سایر خشونت‌ها تحمل می‌کنند. آنان یا در پشت جبهه نیازهای جنسی سربازان را برآورده می‌کنند و تدارکات را آماده می‌کنند یا در خط مقدم همانند پسران می‌جنگند.

در گزارشی که در تاریخ ۵ فوریه ۲۰۱۳ منتشر شد، سازمان دیده بان حقوق بشر اعلام کرد که نگرانی‌های بسیاری در مورد شیوه‌های ایالات متحده در طول درگیری‌های مسلحانه در افغانستان وجود دارد، شیوه‌هایی که برای کودکان مضر بوده‌اند. به حدی که این کمیته از آن "احساس خطر" می‌کند. این مساله در سال ۲۰۰۸ از بررسی گزارش‌هایی منتج شده که مربوط به مرگ صدها نفر از کودکان در طی حملات ایالات متحده و حملات هوایی در افغانستان در سال گذشته بوده و کمیته آن‌ها را بررسی کرده است. در این گزارش همچنین "نگرانی عمیق"

در مورد جزئیات دستگیری و بازداشت این اطفال در افغانستان ابراز شده است. شرایط این کودکان سرباز پس از دستگیری نیز بسیار وحشتناک است. صدها نفر از کودکان در افغانستان توسط نیروهای ایالات متحده بازداشت شده‌اند و بسیاری از این کودکان به زندان‌های افغانستان منتقل شده‌اند.

معمولا این کودکان زیر ۱۸ سال که با بزرگسالان در یک مکان زندانی می‌شوند، بر خلاف استانداردهای بین‌المللی بازداشت شده‌اند. سازمان ملل متحد، گزارش‌های بسیاری از شکنجه کودکان توسط نیروهای امنیتی افغان را مستند کرده است.

در شرایط جنگی یا جنگ زده قوانین موجود اجرا نمی‌شوند یا تاثیر بسیار ناچیزی دارند، در نتیجه مجرمان سازمان یافته، راهزنان و رهبران باند ممکن است، از موقعیت‌ها و فرصت‌ها استفاده کرده و سعی کنند کودکان را در درون گروه خود استخدام و از آنان بهره‌برداری کنند. حتی پس از توافق آتش‌بس یا توافق صلح، سطوح بالایی از خشونت در جامعه باقی می‌ماند و کسانی که هنوز آماده‌ی استفاده از زور برای رسیدن به اهداف سیاسی خود هستند، به این خشونت‌ها دامن می‌زنند.

در طول ۱۵ سال گذشته، ۱۳۵ موافقت‌نامه صلح میان طرفین متخاصم امضا شده است. تنها در هشت تا از این توافق‌نامه‌ها، مقررات خاص برای کودکان سرباز گنجانده شده است. در توافق‌نامه صلح بین دولت سیرالئون و جبهه متحد انقلابی سیرالئون (۱۹۹۹) ماده‌ای در مورد کودکان رزمنده لحاظ شده بود که مطابق آن دولت را موظف به توجه خاص به مساله‌ی کودکان سربازان کرده بود. مشکلی که برای کودکان سرباز به خصوص در افریقا و مناطق جنگی وجود دارد، این است که به محض اتمام درگیری در یک منطقه، استخدام آن‌ها در سراسر مرزهای کشور همسایه آغاز می‌شود. به گزارش دیده‌بان حقوق بشر: "در سال ۲۰۰۵ دولت ساحل عاج صدها نفر از مبارزانی را استخدام کرد که به تازگی مرخص شده بودند، از جمله کودکان زیر ۱۸ سال را.

تاثیر تجربه‌ی جنگ بر زندگی این کودکان تکان‌دهنده است. آنان به سختی می‌توانند به زندگی عادی برگردند. زیرا آن‌ها نمی‌توانند به یاد بیاورند که زندگی قبلی‌شان چگونه بوده است. صدمات روحی و روانی وارد بر آنان جبران‌ناپذیر است. بسیاری از مردم که از نزدیک میزان خشونت و سبوعیت رفتار این کودکان سرباز را دیده‌اند، از آنان نفرت دارند و برخوردهای مناسبی با آنان ندارند و در میان مردم این بیم وجود دارد که هر لحظه امکان دارد آنان به خشونت و نظامی‌گری برگردند.

بسیاری از آنان در جامعه پذیرفته نمی‌شوند. این شرایط برای دختران بسیار بدتر است. بسیاری از آنان دچار انواع بیماری‌های مقاربتی شده یا مشکلات حادی از نظر سلامت دستگاه تناسلی تحمل می‌کنند. بسیاری از آنان مجبورند فرزندان را بزرگ کنند که پدران‌شان معلوم نیست و بار بدنامی و رسوایی را بر دوش بکشند.

چه باید کرد؟

تلاش‌های بسیاری علیه این شیوه‌ی غیرانسانی بهره‌کشی از کودکان انجام شده است. از سال ۲۰۰۱ تا کنون شمار کودکان سرباز کاهش چشمگیری داشته است، قطعنامه‌ها و کنوانسیون‌های مختلف صادر شده است، اما هنوز تا محو کامل آن راه درازی باقی است. مشکل کودکان سرباز هنگامی واقعا حل می‌شود که نظام سرمایه‌داری که سود را محور همه چیز می‌داند و در آن همه چیز حتی کودکان تبدیل به کالاهایی می‌شوند که سود آنان را افزایش می‌دهند، از ریشه تغییر کند. اما تا آن زمان با دادن آگاهی و افزایش حساسیت‌های اجتماعی علیه استفاده از کودکان در جنگ می‌توان اقداماتی انجام داد. ممنوعیت واقعی استفاده از کودکان در جنگ‌ها نیاز به یک مشارکت جهانی دارد و تنها با تحقق راه‌های عملی، حمایتی برای تغییر سیاست‌های سودمحورانه و غیرانسانی و آموزش پیشگیرانه برای ایجاد امنیت برای کودکان امکان‌پذیر است. در این میان نقش سازمان‌های مردمی و بین‌المللی می‌تواند بسیار موثر باشد.

سازمان‌ها و نهادهایی که در این زمینه فعالیت می‌کنند باید در نظر داشته باشند که: در طراحی برنامه برای مقابله با سربازگیری کودکان ابعاد منطقه‌ای درگیری باید در نظر گرفته شود. تبادل اطلاعات ثابت بین کشورهای آسیب‌دیده بسیار مهم است و این کودکان اغلب قاچاق می‌شوند و کودکان زیر سن ۱۸ سال که بدون سرپرست مناسب هستند، در معرض خطر بسیار بالایی برای آدم‌ربایی، قاچاق و استخدام در گروه‌های مسلح هستند. تلاش برای ثبت تولد کودکان و افزایش امنیت در طول مرزها می‌تواند اقدامات کاملا اجرایی و موثر باشد. محیط فرهنگی که این کودکان در آن زندگی می‌کنند باید مورد ارزیابی و بررسی عمیق و علمی قرار گیرد. منابع موجود و بالقوه و محدودیت‌ها، و ظرفیت سازمان‌های موجود معلوم شود.

در طراحی برنامه‌ای عملی برای مقابله با پدیده‌ی کودک سرباز، باید به این سوالات پاسخ داده شود: آیا کشور مورد نظر دارای سابقه سربازگیری از کودکان است؟ آیا کودکان این کشور در حال حاضر در معرض خطر هستند؟ آیا وزارت بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و رفاه کودکان عملکرد خوبی دارد؟ قوانین ملی مربوط به استخدام و استفاده از کودکان در مناقشات مسلحانه چگونه است؟ مراقبان سنتی این کشور برای کودکان چه کسانی هستند؟ چه جایگزین

مناسبی برای این مراقبان سنتی وجود دارد در صورتی که این مکانیسم‌های سنتی از بین برود؟ چه سازمان‌ها در کشور برای حمایت از کودکان وجود دارد؟ و... در جنگ‌ها حقوق کودکان در شش مورد زیر نقض می‌شود:

- نقص عضو و کشتار کودکان
 - استخدام کودکان توسط گروه‌های مسلح
 - حمله به مدارس و بیمارستان‌های کودکان
 - تجاوز به عنف و خشونت جنسی علیه کودکان
 - ربودن کودکان
 - محرومیت از دسترسی سازمان‌های بین‌المللی حمایتی به کودکان.
- قطعنامه ۱۶۱۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد که در سال ۲۰۰۵ به تصویب رسید در مورد شیوه‌های رسیدگی به این شش مورد نقض حقوق کودکان است. قطعنامه ۱۸۸۲ شورای امنیت تصریح می‌کند که گزارش سالانه ای از شرایط کودکان در مناقشات مسلحانه باید به شورای امنیت ارائه شود. این دو قطعنامه شاید از مهم‌ترین ابزارها برای همکاری بخش امنیتی و غیرنظامیان علیه استفاده از کودکان در جنگ‌هاست. این قطعنامه‌ها اجازه می‌دهند تا اعضای هر دو حوزه بر شش مورد نقض حقوق کودکان در جنگ‌ها مداخله کرده و در به محاکمه کشیدن متخلفان برای ارتکاب این جرایم همکاری داشته باشد.
- در خاتمه نباید فراموش کرد جنگ‌ها سود سرمایه‌ها را افزایش می‌دهند و وسیله‌ای هستند برای حل بحران‌های شدید اقتصادی این نظام، پس حل این معضل نیز تنها با تغییر بنیادی این نظام امکان‌پذیر است.

منابع:

[-http://thechronicleherald.ca/artslife/1123081-fighting-to-let-children-be-children](http://thechronicleherald.ca/artslife/1123081-fighting-to-let-children-be-children)

By LOIS LEGGE Features Writer April 12, 2013 - 5:50pm

<http://www.thenational.ae/news/world/middle-east/syrian-rebels-are-forging-child-soldiers-into--killing-machines>

<http://www.hrw.org/news/2013/02/05/us-act-protect-children-conflict> -

US: Act to Protect Children in Conflict

بر گرفته از کانون مدافع حقوق کارگران